

درخواست قصاص برای داماد قاتل

8 بهمن 1401

مرد جوان که به خاطر سرزنش‌های همسرش در جریان یک درگیری خانوادگی او را به قتل رسانده در حالی محاکمه شد که پدر و مادر مقتول خواهان قصاص دامادشان شدند.

شهریور سال 1400 خبر قتل زنی جوان به پلیس اعلام شد. از آنجا که تحقیقات نشان می‌داد وی قربانی یک درگیری خانوادگی شده، همسر وی تحت بازجویی قرار گرفت و بلافاصله به قتل اعتراف کرد. ناصر 27 ساله در تشریح ماجرا گفت: 3 سال پیش با شیرین ازدواج کردم و یک دختر 2 ساله هم داریم. من وضعیت مالی خوبی نداشتم و به سختی توانستم خانه‌ای 60متری در جنوب تهران اجاره کنم. خانواده همسرم وضع مالی خوبی داشتند و با اینکه قول داده بودند به ما کمک کنند اما هیچ کمکی نمی‌کردند و من و همسرم مدام اختلاف داشتیم.

تا اینکه روز حادثه دوباره دعوی‌مان شد. همسرم مدام به من سرکوفت می‌زد و من از شدت عصبانیت او را کتک زدم و وقتی به خودم آمدم دیدم که بی‌هوش شده است. به همین خاطر بسرعت او را به بیمارستان رساندم اما فوت کرد.

در ادامه تحقیقات، پلیس به سراغ پدر و مادر مقتول رفت و آنها در توضیح ماجرا اظهار کردند: ناصر وضعیت مالی مناسبی نداشت اما چون فکر می‌کردیم پسر خوبی است تلاش کردیم خودمان کمک‌شان کنیم. به همین خاطر پس از [ازدواج](#) برای آنها خانه‌ای اجاره کردیم و مدام کمک مالی می‌کردیم تا اینکه آنها بچه‌دار شدند. از آنجا که می‌دیدیم ناصر کاری ندارد و ممکن است زندگی‌شان خراب شود به خاطر دختر و نوه‌مان تصمیم گرفتیم مبلغی را به‌عنوان سرمایه به دامادمان بدهیم تا او کاری را شروع کند اما به خاطر مشکلی که برای خودمان پیش آمد ناچار شدیم پرداخت پول را چند ماه به تعویق بیندازیم؛ ناصر هم در جریان این مسأله بود اما او بعد از مدتی فکر می‌کرد که ما به قول‌مان عمل نکرده‌ایم و با کتک زدن دخترمان شیرین تلاش می‌کرد به ما برای پرداخت پول فشار بیاورد و در نهایت هم دخترمان را بی‌رحمانه کشت. ما از خون دخترمان نمی‌گذریم و ناصر باید قصاص شود. از طرفی به علت صغیر بودن سن دختر قربانی، رئیس قوه قضائیه از طرف وی خواستار پرداخت دیه شد.

با تکمیل تحقیقات و گزارش‌های پزشکی قانونی و پلیس برای ناصر به اتهام مباشرت در [قتل عمد](#) کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

تأکید اولیای دم بر قصاص متهم

در ابتدای جلسه دادگاه، پدر و مادر قربانی درخواست [قصاص](#) کردند و پدر شیرین به جایگاه رفت و گفت: من به هیچ عنوان نمی‌توانم از خون دخترم بگذرم و حتی حاضرم سهم دیه نوه دو ساله‌ام را نیز پرداخت کنم تا قاتل دخترم به سزای عملش برسد.

پس از آن ناصر به جایگاه رفت و در دفاع از خودش گفت: من قصدم کشتن همسرم نبود. ما باهم اختلاف داشتیم اما نمی‌خواستیم چنین اتفاقی بیفتد.

روز حادثه وقتی بحث‌مان شروع شد، او مدام به من سرکوفت می‌زد که اگر خانواده‌اش نبودند ما از گرسنگی می‌مردیم. از حرف او خیلی عصبانی شدم اما برای آنکه اتفاقی نیفتد از خانه خارج شدم و یک ساعت بعد برگشتم. خواستم با شیرین حرف بزنم که دیدم نه با من حرف می‌زند و نه به من محل

نمی‌گذارد.

همان موقع ظرف غذا را جلویم گذاشت و خواست به آشپزخانه برود که ظرفم را به سمتش پرت کردم و بعد هم با مشت و لگد او را زدم. همسر مدام فریاد می‌زد و ناسزا می‌گفت اما آنقدر او را زدم تا اینکه جان باخت و حالا هم خیلی پشیمانم.
بعد از اظهارات متهم و وکیل او، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.